

نکته:

معنای طرب چیست؟

دهخدا وقتی این لغت را از لغت نامه های فارسی معنی می کند، آن را به شادمانی و نشاط و شادی معنی می کند و در ادامه آن را به «سبک شدن از شدت شادی یا غایت اندوه» معنی می نماید.
اما لغویون عرب:

لسان العرب: «الطَّرْبُ الفَرَحُ و الحُزْنُ؛ عن ثعلب. و قيل: الطَّرْبُ خفة تَعْتَرِي عند شدَّة الفَرَحِ أو الحُزْنِ و الهمّ. و قيل: حلول الفَرَحِ و ذهابُ الحُزْنِ... قال ثعلب: الطَّرْبُ عندی هو الحركة؛ قال ابن سيدة: و لا أعرف ذلك... يقال طَّرَبَ فلاناً فی غِنائِهِ تَطْرِيباً إذا رَجَعَ صوتَه و زینته... التَّطْرِيبُ فی الصوت: مَدُّه و تَحْسِينُهُ.»^۱

معجم مقاییس اللغة:

طرب: يقولون ان الطرب خفة تصيب الرجل من شدة سرور او غيره... قالوا و طرَّبَ فی صوته؛ اذا مَدَّه.»^۲

معجم البحرين:

طرب: خفة تعترى الانسان شدة حزن او سرور و العامة تخصصه بالسرور [عامه: به معنای عموم مردم است، اگرچه طریحی صاحب معجم البحرين شیعه است ولی چون این اصطلاح در دیگر کتب لغت هم آمده به معنای عموم مردم است].^۳

قاموس المحيط:

«طرب: محرکة الفرح و الحزن، ضدّ، او خفة تلحقک، تسرّک او تحزنک و تخصیصه بالفرح و هم.»^۴ [اختصاص آن به خوشی، یک پندار است].

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۵۷.

۲. معجم مقاییس العرب، ج ۳، ص ۴۵۴.

۳. ج ۳، ص ۴۰.

۴. ج ۱، ص ۲۴۵.

